



فقه امت‌محور؛ میراث مغفول اندیشه امام خمینی(ره)

پژوهشگر حوزه علوم انسانی و تمدن با تأکید بر اینکه مهم‌ترین تحول در اندیشه فقهی امام خمینی(ره) گذار از فقه فردی به فقه اجتماعی و امت‌محور است، گفت:

پژوهشگر حوزه علوم انسانی و تمدن با تأکید بر اینکه مهم‌ترین تحول در اندیشه فقهی امام خمینی(ره) گذار از فقه فردی به فقه اجتماعی و امت‌محور است، گفت: امام با تکیه بر شناخت زمان و مکان، مصلحت و واقعیت‌های اجتماعی، افق تازه‌ای در اجتهاد و جامعه‌سازی اسلامی گشود.

فقه امت‌محور؛ میراث مغفول اندیشه امام خمینی(ره) به گزارش‌اش یکنا از قم، حجت‌الاسلام والمسلمین امین اسدیور، پژوهشگر حوزه علوم انسانی و تمدن، در اولین جلسه از نشست‌های تبیین مکتب امام خمینی(ره) که به همت مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره) (صبح امروز، ۱۰ خردادماه در سالن جلسات این مؤسسه برگزار شد، در تبیین موضوع «از فقه فردی تا فقه امت ساز در اندیشه امام خمینی(ره)» اظهار کرد: برای بهره‌گیری از میراث فکری و معرفتی امام راحل(ره)، ناگزیر از گزینش برخی محورهای اساسی هستیم؛ چراکه نوآوری‌ها و ابتکارات ایشان در این عرصه بسیار گسترده و متنوع است.

وی با اشاره به نوع نگاه امام خمینی(ره) به فقه و اسلام‌شناسی، گفت: یکی از دغدغه‌های جدی و مستمر امام در آثار مکتوب و بیانات ایشان، نقد تجزیه و گسست در اسلام‌شناسی بود. امام بارها در کتاب «چهل حدیث»، در درس‌ها و سخنرانی‌های دوران نجف و همچنین در سال‌های رهبری انقلاب اسلامی، نسبت به این آسیب تاریخی هشدار داده‌اند که شناخت اسلام به صورت جزیره‌ای و تفکیک‌شده، مانع درک صحیح حقیقت دین شده است.

اسدیور افزود: از نگاه امام، در طول تاریخ هر گروهی کوشیده است اسلام را در چارچوب دانش و تخصص خود تعریف کند؛ فقیه اسلام را در فقه خلاصه کرده، فیلسوف آن را فلسفه دانسته، عارف بر عرفان تأکید کرده و اهل اخلاق نیز اخلاق را تمام حقیقت اسلام معرفی کرده‌اند. در حالی که امام خمینی(ره) معتقد بودند اسلام هیچ‌یک از این ساحت‌ها به تنهایی نیست، بلکه مجموعه‌ای جامع از همه این ابعاد را در بر می‌گیرد. نقد نگاه جزیره‌ای به اسلام و تأکید بر جامعیت دین

این پژوهشگر حوزه علوم انسانی و تمدن ادامه داد: امام اسلام را متناظر با تمامی ابعاد وجود انسان می‌دانستند. به اعتقاد ایشان، چون انسان دارای مراتب، شئون و ساحت‌های گوناگون است، اسلام نیز به عنوان برنامه جامع هدایت، تربیت و تعالی انسان باید تمامی این مراتب را پوشش دهد و در قالب یک منظومه منسجم و هماهنگ فهم شود.

وی با اشاره به مباحث مطرح‌شده در حدیث بیست و چهارم کتاب «چهل حدیث» تصریح کرد: امام در آنجا تلاش می‌کنند نسبت میان فقه اکبر و فقه اصغر را تبیین کنند. در این چارچوب، ابتدا باید به یک هستی‌شناسی توحیدی دست یافت و سپس آن را در قالب یک انسان‌شناسی توحیدی صورت‌بندی کرد. بر همین اساس، دستگاه الهیاتی، حکمی و عرفانی امام شکل می‌گیرد و مبنای مواجهه ایشان با جهان، انسان و مسائل معاصر قرار می‌گیرد.

اسدیور خاطرنشان کرد: اهمیت این مبنا در آن است که امام از یک پایگاه معرفتی مستحکم به مسائل می‌نگرند و در مواجهه با تحولات و چالش‌های زمانه دچار انفعال، تزلزل یا ناهماهنگی در استنباط و اجتهاد نمی‌شوند. عرفان اجتماعی؛ نوآوری امام در امتداد سنت حکمی

وی با بیان اینکه امام خمینی(ره) در حوزه عرفان نیز صاحب نوآوری‌های قابل توجهی بودند، گفت: به اعتقاد بنده، امام صرفاً شارح یا ادامه‌دهنده سنت عرفانی پیشین نبودند، بلکه مرحله‌ای جدید در عرفان اسلامی پدید آوردند که می‌توان از آن با عنوان «عرفان اجتماعی» یا «عرفان جامعه‌ساز» یاد کرد.

این پژوهشگر حوزه علوم انسانی و تمدن افزود: هرچند این نگاه در امتداد سنت حکمی و عرفانی صدرالمآلهین قرار دارد، اما امام به ویژه در تبیین «سفر چهارم» عرفانی، رویکردی متفاوت ارائه می‌کنند. ایشان غایت عرفان را تنها در سلوک فردی و تربیت سالک خلاصه نمی‌کنند، بلکه آن را تا سطح استخلاف اجتماعی و شکل‌گیری جامعه خلیفه‌الله امتداد می‌دهند.

وی تأکید کرد: اگرچه ریشه‌های این نگاه را می‌توان در اندیشه مرحوم آیت‌الله شاه‌آبادی مشاهده کرد، اما بسط نظری و تحقق

عینی آن در عرصه اجتماعی و سیاسی، توسط امام خمینی(ره) صورت گرفت و از این منظر می توان از شکل گیری مرحله ای جدید در عرفان اسلامی سخن گفت.

اسدیور در ادامه با اشاره به تأثیر این مبنای معرفتی بر دستگاه فقه‌های امام اظهاری کرد: مهم ترین تحول در فقه امام، عبور از فقه صرفاً فردی و عبادی به سوی فقه اجتماعی، جامعه پرداز و در نهایت فقه امت محور است. البته امام هرگز فقه فردی و عبادی را نفی نمی کنند، بلکه معتقدند نباید به آن بسنده کرد و لازم است دایره فقهت به عرصه های اجتماعی، تمدنی و امت ساز گسترش یابد.

وی افزود: یکی از خطاهای رایج در معرفی اندیشه فقهی امام این است که فقه ایشان صرفاً در قالب فقه سیاسی یا فقه الحکومه تفسیر می شود؛ در حالی که فقه سیاسی امام بر بستر فقه اجتماعی ایشان شکل گرفته است. از نگاه امام، جامعه یک حقیقت اصیل و دارای حقوق و تکالیف است و حکومت نیز مهم ترین ساختار اجتماعی در فرآیند اداره و سامان دهی جامعه به شمار می آید.

این پژوهشگر حوزه علوم انسانی و تمدن تصریح کرد: به همین دلیل، فقه الحکومه امام را باید در چارچوب فقه اجتماعی ایشان فهم کرد؛ زیرا این رویکرد اجتماعی است که به فقه سیاسی جهت می دهد، آن را معنا می بخشد و زمینه انعطاف و کارآمدی آن را در مواجهه با مسائل جامعه فراهم می کند.

این پژوهشگر حوزه علوم انسانی و تمدن در تبیین موضوع «از فقه فردی تا فقه امت ساز در اندیشه امام خمینی(ره)»، اظهار کرد: برای بهره گیری از میراث فکری و معرفتی امام راحل(ره)، ناگزیر از گزینش برخی محورهای اساسی هستیم؛ چراکه نوآوری ها و ابتکارات ایشان در این عرصه بسیار گسترده و متنوع است.

وی با اشاره به نوع نگاه امام خمینی(ره) به فقه و اسلام شناسی، گفت: یکی از دغدغه های جدی و مستمر امام در آثار مکتوب و بیانات ایشان، نقد تجزیه و گسست در اسلام شناسی بود. امام بارها در کتاب «چهل حدیث»، در درس ها و سخنرانی های دوران نجف و همچنین در سال های رهبری انقلاب اسلامی، نسبت به این آسیب تاریخی هشدار داده اند که شناخت اسلام به صورت جزیره ای و تفکیک شده، مانع درک صحیح حقیقت دین شده است.

اسدیور افزود: از نگاه امام، در طول تاریخ هر گروهی کوشیده است اسلام را در چارچوب دانش و تخصص خود تعریف کند؛ فقیه اسلام را در فقه خلاصه کرده، فیلسوف آن را فلسفه دانسته، عارف بر عرفان تأکید کرده و اهل اخلاق نیز اخلاق را تمام حقیقت اسلام معرفی کرده اند. در حالی که امام خمینی(ره) معتقد بودند اسلام هیچ یک از این ساحت ها به تنهایی نیست، بلکه مجموعه ای جامع از همه این ابعاد را در بر می گیرد.

این پژوهشگر حوزه علوم انسانی و تمدن ادامه داد: امام اسلام را متناظر با تمامی ابعاد وجود انسان می دانستند. به اعتقاد ایشان، چون انسان دارای مراتب، شئون و ساحت های گوناگون است، اسلام نیز به عنوان برنامه جامع هدایت، تربیت و تعالی انسان باید تمامی این مراتب را پوشش دهد و در قالب یک منظومه منسجم و هماهنگ فهم شود.

وی با اشاره به مباحث مطرح شده در حدیث بیست و چهارم کتاب «چهل حدیث» تصریح کرد: امام در آنجا تلاش می کنند نسبت میان فقه اکبر و فقه اصغر را تبیین کنند. در این چارچوب، ابتدا باید به یک هستی شناسی توحیدی دست یافت و سپس آن را در قالب یک انسان شناسی توحیدی صورت بندی کرد. بر همین اساس، دستگاه الهیاتی، حکمی و عرفانی امام شکل می گیرد و مبنای مواجهه ایشان با جهان، انسان و مسائل معاصر قرار می گیرد.

اسدیور خاطر نشان کرد: اهمیت این مبنا در آن است که امام از یک پایگاه معرفتی مستحکم به مسائل می نگرند و در مواجهه با تحولات و چالش های زمانه دچار انفعال، تزلزل یا ناهماهنگی در استنباط و اجتهاد نمی شوند.

وی با بیان اینکه امام خمینی(ره) در حوزه عرفان نیز صاحب نوآوری های قابل توجهی بودند، گفت: به اعتقاد بنده، امام صرفاً شارح یا ادامه دهنده سنت عرفانی پیشین نبودند، بلکه مرحله ای جدید در عرفان اسلامی پدید آوردند که می توان از آن با عنوان «عرفان اجتماعی» یا «عرفان جامعه ساز» یاد کرد.

این پژوهشگر حوزه علوم انسانی و تمدن افزود: هرچند این نگاه در امتداد سنت حکمی و عرفانی صدرالمآلهین قرار دارد، اما امام به ویژه در تبیین «سفر چهارم» عرفانی، رویکردی متفاوت ارائه می کنند. ایشان غایت عرفان را تنها در سلوک فردی و تربیت سالک خلاصه نمی کنند، بلکه آن را تا سطح استخلاف اجتماعی و شکل گیری جامعه خلیفه الله امتداد می دهند.

وی تأکید کرد: اگرچه ریشه های این نگاه را می توان در اندیشه مرحوم آیت الله شاه آبادی مشاهده کرد، اما بسط نظری و تحقق عینی آن در عرصه اجتماعی و سیاسی توسط امام خمینی(ره) صورت گرفت و از این منظر می توان از شکل گیری مرحله ای جدید در عرفان اسلامی سخن گفت.

اسدپور با اشاره به تأثیر این میانی معرفتی بر دستگاه فقهاتی امام اظهار کرد: مهم ترین تحول در فقه امام، عبور از فقه صرفاً فردی و عبادی به سوی فقه اجتماعی، جامعه پرداز و در نهایت فقه امت محور است. البته امام هرگز فقه فردی و عبادی را نفی نمی کنند، بلکه معتقدند نباید به آن بسنده کرد و لازم است دایره فقاقت به عرصه های اجتماعی، تمدنی و امت ساز گسترش یابد.

وی افزود: یکی از خطاهای رایج در معرفی اندیشه فقهی امام این است که فقه ایشان صرفاً در قالب فقه سیاسی یا فقه الحکومه تفسیر می شود؛ در حالی که فقه سیاسی امام بر بستر فقه اجتماعی ایشان شکل گرفته است. از نگاه امام، جامعه یک حقیقت اصیل و دارای حقوق و تکالیف است و حکومت نیز مهم ترین ساختار اجتماعی در فرآیند اداره و سامان دهی جامعه به شمار می آید.

این پژوهشگر حوزه علوم انسانی و تمدن تصریح کرد: به همین دلیل، فقه الحکومه امام را باید در چارچوب فقه اجتماعی ایشان فهم کرد؛ زیرا این رویکرد اجتماعی است که به فقه سیاسی جهت می دهد، آن را معنا می بخشد و زمینه انعطاف و کارآمدی آن را در مواجهه با مسائل جامعه فراهم می کند. مصلحت؛ عنصری بنیادین در منظومه اجتهادی امام

اسدپور در تبیین جایگاه «مصلحت» در اندیشه فقهی امام خمینی(ره) گفت: گاهی تصور می شود توجه امام به عنصر مصلحت، محصول سال های پایانی عمر ایشان و اقتضات اداره جمهوری اسلامی بوده است؛ در حالی که با مراجعه به آثار فقهی امام درمی یابیم که این مسئله از همان ابتدای شکل گیری منظومه اجتهادی ایشان حضور دارد. شما در مباحث مکاسب محرمة، در کتاب البیع و حتی در درس های ولایت فقیه امام نیز ردپای پررنگ عنصر مصلحت را مشاهده می کنید.

وی افزود: وقتی فقه از سطح احکام فردی عبور می کند و مسئولیت اداره جامعه را برعهده می گیرد، طبیعتاً دیگر نمی تواند صرفاً با نگاه فردی به مسائل بنگرد. در اینجا مصالح اجتماعی، مصالح امت اسلامی و مصالح نظام اسلامی به عنوان واقعیاتی تأثیرگذار در فرآیند اجتهاد مطرح می شوند.

این پژوهشگر حوزه علوم انسانی و تمدن با اشاره به سطوح مختلف مصلحت در اندیشه امام تصریح کرد: به نظر می رسد امام دست کم سه سطح از مصلحت را مورد توجه قرار می دهند؛ مصلحت اسلام، امت اسلامی و حوزه حاکمیت اسلامی. این سه سطح در منظومه فکری امام در تعارض با یکدیگر نیستند، بلکه در امتداد هم قرار می گیرند. امت و ملت در اندیشه امام؛ دوگانه ای که وجود ندارد

اسدپور با اشاره به نسبت میان امت و ملت در اندیشه امام خمینی(ره)، اظهار کرد: برخلاف برخی قرائت های رایج که میان هویت ملی و هویت امت اسلامی نوعی دوگانگی ترسیم می کنند، امام اساساً چنین دوگانه ای را نمی پذیرد. کافی است پیام های سالانه حج ایشان را مرور کنیم. امام در اوج سخن گفتن از جهان اسلام، وحدت امت و مبارزه با استکبار، همزمان از عزت، استقلال و منافع ملت ایران نیز دفاع می کند. از این منظر، ایران اسلامی و امت اسلامی دو پروژه جداگانه نیستند.

وی خاطرنشان کرد: یکی از مهم ترین نوآوری های امام خمینی(ره) در حوزه فقاقت، عبور از فقه صرفاً فردی و حرکت به سوی فقه اجتماعی، حکومتی و امت ساز است. فقهی که در آن قرآن، سنت، عقل و واقعیت اجتماعی در یک منظومه هماهنگ برای تحقق حیات طیبه اسلامی به کار گرفته می شوند.

اسدپور تأکید کرد: امام در عین اصرار بر حفظ چارچوب اجتهاد جواهری، بر این نکته نیز پافشاری می کند که روش های متعارف حوزه برای مواجهه با مسائل پیچیده جهان معاصر کافی نیست. از همین رو شناخت زمان و مکان، بهره گیری از دستاوردهای علمی جدید و فهم دقیق واقعیت های اجتماعی را از الزامات اجتهاد کارآمد می داند.

اسدپور با اشاره به نسبت میان امت و ملت در اندیشه امام خمینی(ره) اظهار کرد: امام خمینی اساساً میان امت و ملت تعارضی نمی دید. گاهی در برخی قرائت ها این گونه القا می شود که توجه به امت اسلامی با توجه به هویت ملی در تعارض است؛ در حالی که در اندیشه امام چنین دوگانه ای وجود ندارد. اگر پیام های سالانه حج امام را از سال ۱۳۴۹ به بعد مرور کنیم، می بینیم

که ایشان در اوج سخن گفتن از امت اسلامی، وحدت مسلمانان و مبارزه با استکبار، همزمان از ملت ایران نیز به عنوان یک الگو و نمونه موفق یاد می کنند.

وی افزود: در واقع امام بارها این پرسش را مطرح می کند که ایرانی که انقلاب کرده، ایرانی که از وضعیت استضعاف و استخفاف تحمیل شده عبور کرده و در مسیر استخلاف و عزت اسلامی قرار گرفته، تا چه اندازه توانسته است الهام بخش جهان اسلام باشد؟ از این منظر، ملت ایران نه در عرض امت اسلامی، بلکه در خدمت آرمان های امت اسلامی تعریف می شود. امت و ملت در اندیشه امام؛ دوگانه ای که وجود ندارد

این پژوهشگر حوزه علوم انسانی و تمدن با اشاره به جایگاه عنصر زمان و مکان در اجتهاد امام گفت: عنصر زمان و مکان از مهم ترین نوآوری های فقهی حضرت امام است؛ هرچند هنوز حق این نظریه به طور کامل ادا نشده است. غالب تقریرهایی که از نظریه زمان و مکان ارائه شده، آن را صرفاً به مرحله اجرا و تزامات اجرایی احکام محدود کرده اند؛ در حالی که به نظر می رسد امام دامنه تأثیر زمان و مکان را بسیار فراتر از این می دانست.

وی ادامه داد: برداشت بنده این است که امام حتی در مقام فعلیت احکام نیز برای زمان و مکان نقش فائل است. به تعبیر دیگر، شرایط اجتماعی و تاریخی می تواند در فعلیت یافتن یا نیافتن برخی احکام اثرگذار باشد. از این منظر، آنچه تغییر می کند اصل حکم الهی نیست، بلکه فعلیت و نحوه تحقق آن در شرایط متفاوت اجتماعی است.

اسدپور در تبیین این دیدگاه به نمونه ای از فتاوی امام اشاره کرد و گفت: در ماجرای موسیقی که در سال های پایانی عمر امام محل بحث و گفت و گو بود، برخی تصور کردند که امام فتوای خود را تغییر داده اند؛ در حالی که به نظر می رسد مسئله تغییر فتوا نبود، بلکه تغییر شرایط و فعلیت حکم بود. امام معتقد بود ممکن است یک پدیده در یک ساختار اجتماعی مصداق لهو و اعراض از ذکر خدا باشد و همان پدیده در ساختاری دیگر در خدمت ارزش های الهی قرار گیرد. بنابراین موضوع فقط خود فعل نیست، بلکه نسبت آن با نظام اجتماعی و فرهنگی حاکم نیز اهمیت پیدا می کند.

وی خاطرنشان کرد: همین مبناست که در فقه حکومتی امام، اختیارات گسترده تری برای تدبیر امور جامعه ایجاد می کند و نسبت میان فقه و قانون گذاری را وارد مرحله جدیدی می سازد. در این چارچوب، فقیه حاکم صرفاً ناظر احکام فردی نیست، بلکه مسئول مدیریت گذارهای اجتماعی و تأمین مصالح عمومی جامعه نیز هست. اجتهاد کارآمد در گرو شناخت واقعیت های اجتماعی

اسدپور همچنین با تأکید بر ضرورت شناخت واقعیت های اجتماعی در فرآیند اجتهاد گفت: امام در منشور روحانیت، منشور برادری و حتی در وصیت نامه سیاسی الهی خود بارها بر این نکته تأکید می کند که فقیه بدون شناخت مناسبات حاکم بر جامعه و جهان معاصر نمی تواند نقش مؤثری در عرصه اجتماع ایفا کند. فهم روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بین المللی بخشی از مقدمات ضروری اجتهاد کارآمد است.

وی افزود: اگر فقه بخواهد در عرصه جامعه سازی و امت سازی نقش آفرین باشد، نمی تواند نسبت به واقعیت های عینی و انضمامی جامعه بی اعتنا بماند. فقه پویا ناگزیر است در نسبت با این واقعیات، ظرفیت های خود را بازخوانی و بازتولید کند.

این پژوهشگر حوزه علوم انسانی و تمدن در پایان با اشاره به میراث علمی امام خمینی(ره) و نقش رهبر شهید انقلاب در تبیین آن تصریح کرد: متأسفانه حوزه های علمیه آن گونه که باید با افق هایی که امام در دهه شصت گشودند همراه نشدند و بخشی از آن ظرفیت تاریخی برای تحول و پویایی فقه مغفول ماند. در حالی که اندیشه فقهی امام در بسیاری از موارد چند گام جلوتر از مباحثی بود که امروز در فضای علمی مطرح می شود.

وی ادامه داد: رهبر شهید انقلاب در سال ۱۴۰۱ تعبیر بسیار مهمی را درباره امام خمینی(ره) به کار بردند و فرمودند: «امام روح جمهوری اسلامی است.» این تعبیر در مقطعی مطرح شد که برخی جریان ها تلاش داشتند نام و مکتب امام را به حاشیه ببرند یا دچار تحریف کنند.

اسدپور یادآور شد: سال بعد نیز رهبر شهید در مراسم چهاردهم خرداد ۱۴۰۲ تعبیر بلند دیگری را مطرح کردند و امام را سرآمد تاریخ اسلام خواندند. ایشان توضیح دادند که همان گونه که در معقول از شیخ الرئیس و در منقول از شیخ الطائفه به عنوان قله های علمی یاد می کنیم، امام خمینی(ره) در جامعیت و جمع میان عرصه های مختلف علمی، فقهی، عرفانی، فلسفی و اجتماعی جایگاهی ممتاز و کم نظیر دارد.

وی در پایان تأکید کرد: امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند بازخوانی دقیق مکتب امام هستیم. همان حساسیت و دغدغه ای که شهید آیت الله رئیسی نسبت به حفظ و تبیین اندیشه امام داشت، باید در فضای علمی و فرهنگی کشور استمرار پیدا کند تا این میراث فکری دچار تحریف، فراموشی یا تقلیل نشود. تبیین گسترده اندیشه امام خمینی(ره) وظیفه مبلغان است

حجت الاسلام والمسلمین علی کمساری، رئیس مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، با تأکید بر ضرورت تبیین گسترده اندیشه امام خمینی(ره) اظهار کرد: ترویج و معرفی اندیشه امام نباید صرفاً به یک نهاد یا مجموعه خاص محدود شود.

وی گفت: اگر تصور کنیم تنها مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام مسئول معرفی و ترویج مکتب امام است، در حق شخصیت عظیم و تاریخی ایشان جفا کرده ایم؛ چرا که امام خمینی(ره) متعلق به همه جامعه اسلامی و همه جریان های فکری وفادار به انقلاب اسلامی است.

رئیس مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی افزود: این موضوع اقتضا می کند که همه حوزه های علمی، دانشگاه ها، مراکز پژوهشی، رسانه ها و اندیشمندان کشور در طول سال و به ویژه در ایام سالگرد ارتحال حضرت امام(ره)، نسبت به تبیین و بازخوانی اندیشه های ایشان اهتمام داشته باشند.

وی با اشاره به فرارسیدن سی و هفتمین سالگرد ارتحال بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران گفت: در این ایام باید بیش از گذشته به معرفی ابعاد مختلف شخصیت و اندیشه امام پرداخت. همان گونه که جناب استاد نیز اشاره کردند، مقام معظم رهبری را باید یکی از مهم ترین مفسران و تبیین کنندگان اندیشه امام در دوران پس از رحلت ایشان دانست.

کمساری ادامه داد: اگر بخواهیم در روزگار کنونی فردی را معرفی کنیم که بیشترین نقش را در تبیین، حفظ و ترویج منظومه فکری امام خمینی(ره) ایفا کرده است، بدون تردید رهبر معظم انقلاب در جایگاهی ممتاز قرار دارند.

وی گفت: اگر قرار باشد یک منبع مطمئن و معتبر برای شناخت امام و منظومه فکری ایشان به جامعه معرفی شود، بیانات و سخنرانی های رهبر شهید معظم انقلاب در مراسم های سالگرد ارتحال حضرت امام طی سال های گذشته، از بهترین و جامع ترین منابع در این زمینه به شمار می رود.

رئیس مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره) افزود: با مرور این بیانات می توان دریافت که رهبر شهید انقلاب هم ابعاد مختلف اندیشه امام را به خوبی تبیین کرده اند و هم نسبت به خطر تحریف این اندیشه هشدار داده اند.

وی با اشاره به برخی از بیانات رهبر معظم انقلاب اظهار کرد: رهبر شهید در یکی از سخنرانی های خود فرمودند: «امام روح جمهوری اسلامی است». این تعبیر کوتاه اما بسیار عمیق نشان می دهد که جمهوری اسلامی بدون اندیشه امام قابل تعریف نیست و هویت خود را از مکتب امام می گیرد.

کمساری ادامه داد: رهبر معظم انقلاب در همچنین تأکید کرده اند که «امام فقط امام دیروز نیست؛ امام امروز و فردا هم هست». این سخن به ویژه برای نسل جوانی که دوران حیات امام را درک نکرده اند، اهمیت فراوانی دارد؛ چرا که نشان می دهد مسیر آینده انقلاب اسلامی نیز بدون رجوع به اندیشه امام قابل ترسیم نیست.

وی افزود: ایشان همچنین از امام خمینی(ره) به عنوان «نرم افزار اداره کشور» یاد کرده اند؛ تعبیری که بیانگر کارآمدی و زنده بودن اندیشه امام در اداره جامعه و مواجهه با مسائل امروز کشور است.

رئیس مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره) خاطر نشان کرد: رهبر شهید انقلاب بارها تأکید کرده اند که بسیاری از ابعاد شخصیت امام همچنان ناشناخته مانده است و نسل جدید انقلاب، آن گونه که شایسته است، عظمت شخصیت و اندیشه ایشان را نمی شناسد.

وی گفت: از همین رو لازم است علما، اساتید حوزه و دانشگاه، مبلغان دینی و رسانه های کشور در این ایام بیش از گذشته مردم، به ویژه نسل جوان را به مطالعه و بهره گیری از بیانات رهبر معظم انقلاب درباره امام خمینی(ره) ترغیب کنند.